

دیپلماسی تحریم اتحادیه اروپا در برابر برنامه هسته‌ای ایران

سعید خالوزاده^۱

چکیده

فعالیت‌های هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که بر روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی سایه افکننده و علاوه بر مناسبات سیاسی، جنبه‌های دیگر روابط ایران و اروپا را هم تحت‌الشعاع قرار داده است. ارزیابی روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی نشان می‌دهد که اختلافات دو طرف طی سال‌های اخیر پررنگ‌تر و منجر به رادیکال‌شدن موضع اتحادیه اروپا در قبال ایران شده است. در این مقاله، به بررسی تأثیر چالش‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا می‌پردازیم. پرسش اصلی این نوشتار عبارت است از این که چرا اتحادیه اروپا در برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران از گزینه آمریکا یعنی «کاربرد زور» حمایت و با آن همراهی نکرده است. فرضیه اصلی مقاله آن است که اتحادیه اروپا با ردّ گزینه توسل به زور، دیپلماسی تحریم شدید ایران را جایگزین کرده و آمریکا را با خود همراه ساخته است. در این راستا، اعمال فشار، مجازات‌های اقتصادی و تحریم‌های فراگیر و حمایت از صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی توسط «شورای امنیت»، در هماهنگی کامل با آمریکا مورد توجه اتحادیه اروپایی است. مقطع مورد نظر این مقاله، عمدتاً ده سال اخیر و به‌خصوص بعد از روی کار آمدن دولت نهم در ایران است. همچنین به نقش برجسته آمریکا در این رابطه، اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپایی، فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آمریکا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیپلماسی تحریم ایران.

^۱ دکترای علوم سیاسی از دانشگاه پاریس، پژوهش‌گر ارشد مطالعات اروپا و استاد دانشگاه (نویسنده مسؤول).
saidkhaloozadeh@yahoo.fr

گرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در هیچ مقطعی رابطه گسترده و در خور توجهی بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا^۲ وجود نداشته و این رابطه با فراز و نشیب‌های بسیار تندی همراه بوده است، اما فعالیت‌های هسته‌ای ایران نقطه عطفی در روابط دو طرف است. اکنون بیش از هر زمانی، رابطه جمهوری اسلامی و غرب و به خصوص اتحادیه اروپا، به مسئله هسته‌ای ایران گره خورده و برقراری روابط عادی و متوازن را دشوار ساخته است. چنین وضعیتی انرژی بسیار زیادی از دو طرف تلف کرده و سیاست‌های تحریمی اتحادیه اروپایی، همکاری‌های فیما بین را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین متغیرهای فهم چرایی تصلب روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا بر این باور است که در برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، «دیپلماسی تحریم» در مقابل «گزینه جنگ» مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر است.

دیپلماسی تحریمی اتحادیه بیان‌گر شرایط سخت و تنش‌آلود کنونی روابط و دور شدن از فضای عادی همکاری‌هاست. آمریکا و کشورهای غربی از این دیپلماسی حمایت می‌کنند و روزبه‌روز بر شدت آن افزوده می‌شود. این مقاله به روند مستمر افزایش تحریم‌ها در راهبردهای اتحادیه اروپا می‌پردازد و نشان می‌دهد که اتحادیه با مردود شمردن گزینه جنگ و تأکید بر دیپلماسی تحریم‌های اقتصادی - تجاری سعی دارد ضمن افزایش هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی برای ایران، نهایتاً فعالیت‌های هسته‌ای این کشور را متوقف سازد. این راهبرد اتحادیه با همراهی کامل آمریکا، هم‌اکنون جریان دارد.

۱- چارچوب نظری: دیپلماسی تحریم

راهبرد «دیپلماسی تحریم» تلاش می‌کند به جای توسل به جنگ، با اقناع، کشور هدف را از انجام اقدامات خود باز دارد. در این راهبرد، اقدام نظامی همه جانبه به منزله شکست «دیپلماسی تحریم» است. این استراتژی، شکلی از مذاکرات انتقادی است (George, 1997, p.8) و از تهدید، انگیزه‌های مثبت و منفی و تشویق و ترغیب استفاده می‌کند. الکساندر جورج نخستین بار از اصطلاح «دیپلماسی تحریم» استفاده کرد. غایت نظریه «دیپلماسی تحریم»، منصرف کردن کشور هدف از انجام اقدام یا اقدامات معینی است. دیپلماسی تحریم دارای سه ویژگی اصلی است: الف) تقاضا، ب) تهدید و مجازات، ج) ایجاد فرصت برای

^۲ به دنبال اجرایی شدن پیمان «ماستریخت» از ابتدای سال ۱۹۹۵، جامعه اقتصادی اروپا با افزایش حوزه‌های کاری و عملکردی به «اتحادیه اروپا» تغییر نام داد و زمینه‌های قضایی، اجتماعی - مدنی، سیاسی، دفاعی - امنیتی نیز به حوزه فعالیت‌های آن افزوده شد.

موافقت (Schaub, 1998, p.44). متقاعد ساختن کشور مقابل هدف استفاده از تهدید و تحریم است. همچنین، هزینه‌های عدم موافقت با تقاضاهای اجباری، بسیار زیاد است (George, 1997, p.11). دیپلماسی تحریم برآورد هزینه را روشن ساخته و سعی می‌کند زمینه‌های تعرض و حمله را دور کند تا کشور هدف وادار به توقف فعالیت‌های خود شود (George, 1997, p.5).

«دیپلماسی تحریم»، شامل سه نوع تهدید است: الف) تهدیدات سیاسی یا دیپلماتیک که می‌تواند به عنوان شکل متوسط تهدید اجباری باشد، ب) تهدیدات اقتصادی که نوع قوی‌تری از تهدید اجباری است و تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه را مد نظر دارد، ج) تهدید به زور که شکل بسیار قوی و افراطی اجبار است. دیپلماسی تحریم، زمانی موفق است که با انگیزه‌های مثبت همراه باشد و زمینه‌ها و قسمت‌های مهم و باارزش رقیب را مورد هدف قرار دهد (Bratton, 2005, p.106). دولت ایران همواره گفته است که فعالیت‌های هسته‌ای‌اش ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز دارد و دست‌یابی به سلاح هسته‌ای مردود و خلاف دین اسلام است (Iran holder of peaceful nuclear, 2008). بنابراین، اتحادیه اروپا بر توانایی بالقوه هسته‌ای ایران متمرکز شده است (Sauer, 2007). هدف اصلی اتحادیه اروپایی منصرف کردن ایران از پی‌گیری چرخه کامل سوخت هسته‌ای، شامل غنی‌سازی اورانیوم، فرآوری و پردازش، تبدیل و تغییر جداسازی پلوتونیم و ساخت راکتور آب سنگین و وادارسازی ایران برای امضاء و تصویب پروتکل‌های الحاقی «ان.پی.تی.» است (Sauer, 2007).

انگیزه آشکار اتحادیه اروپا از به کارگیری دیپلماسی تحریم در منازعه هسته‌ای ایران، جاه‌طلبی این اتحادیه برای اثبات جایگاهش به جهان، نه فقط به دلیل مخالفت با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بلکه برای نشان دادن اعتبار سیاست خارجی و امنیتی مشترک آن (CFSP)³ است (Overhaus analysis, 2007, p.2). از یک طرف، وضعیت ایران برای اتحادیه فرصتی فراهم می‌سازد که ثابت کند اتحادیه اروپایی قادر است به صورت واحد عمل کند و در شرایط بحرانی، مانند مناقشه هسته‌ای ایران، مداخله و ایفای نقش نماید. از طرف دیگر، شناسایی نقش و جایگاه اتحادیه توسط کشورهای دیگر مانند آمریکا، روسیه و چین و توانایی آن برای مذاکرات مؤثر با کشور هدف، مورد توجه دیپلماسی تحریمی اتحادیه اروپا در قبال ایران است (Sauer, 2007).

³ The Common Foreign and Security Policy (CFSP).

۲- پیشینه روابط

رابطه ایران با کشورهای اروپایی در دوران جنگ سرد، عمدتاً در حوزه‌های اقتصادی تعریف می‌شد و ابعاد استراتژیک آن به ایالات متحده واگذار شده بود (خالوزاده، ۱۳۹۰ الف، ص ۳۲۲). در پی حوادث یازدهم سپتامبر، با تغییر نگرش آمریکا به روابط بین‌الملل و تمایل اروپا برای اتخاذ نقشی فعال‌تر در عرصه خارجی، تأکید بر محور تجارت تغییر کرد و جای خود را به اولویت‌های سیاسی و امنیتی داد. از این تاریخ، روابط ایران و اتحادیه اروپا که غیر مستقیم تحت تأثیر آمریکا بود به سوی موضوع‌ها و مسائل استراتژیک - امنیتی میل کرد. از طرفی پس از سقوط صدام و حضور گسترده آمریکا در منطقه، رابطه اتحادیه با ایران حوزه‌های سیاسی و امنیتی از جمله مسأله فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در بر گرفت.

مسأله شفافیت در فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همواره یکی از پیش شرط‌های اروپا برای توسعه روابط با ایران بوده است، تا جایی که اتحادیه اروپا در ژوئن ۲۰۰۳ انعقاد قرارداد اقتصادی و تجاری با ایران را مشروط به حل مسائل هسته‌ای کرد و نشان داد اروپا در صورت نیاز از اهرم‌های اقتصادی برای حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران استفاده خواهد کرد (Déclaration du conseil de l'union européenne, 2003, 22 Juin). بنابراین برنامه هسته‌ای ایران به یکی از جنبه‌های مهم در روابط اتحادیه با ایران درآمد و به عنوان یک متغیر مستقل، کمیت و کیفیت روابط را تحت تأثیر قرار داد.

از طرف دیگر، اتحادیه اروپا^۴ در سال‌های اخیر چون سه دهه گذشته، به موضوعاتی چون حقوق بشر، تروریسم، روند صلح خاورمیانه و تسلیحات کشتار جمعی در روابط خود با ایران اشاره کرده است. مصادیق حقوق بشر مانند آزادی‌های اساسی، آزادی بیان و عقیده، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های دینی، آزادی ارتباطات رسانه‌ای، محکومیت مجازات اعدام، انتخابات دهم ریاست جمهوری (EU Presidency, 2009, 28 Juin) و ... به عنوان موضوعات مستمر و دائمی مورد توجه اتحادیه اروپا اعم از شورا، کمیسیون و پارلمان اروپایی و ریاست دوره‌ای و نمایندگی عالی سیاست خارجی بوده است (Déclaration de la présidence européenne sur Iran, 2009, 25 Octobre).

به دنبال واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حساسیت، مواضع و رفتار اروپایی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران شدت گرفت. یکی از علل اصلی حساسیت ویژه اروپا، اقدام‌ها و تحریک‌های آمریکایی‌ها در دوره افزایش قدرت «نئوکان»ها بود. اروپایی‌ها از یک‌سو خواهان سخت‌گیری یا فشار متوازن بودند تا با امضا و اجرای پروتکل الحاقی و شفاف شدن پرونده هسته‌ای، ایران به نظارت بیشتر تن دهد و از سوی دیگر،

^۴ جدا از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، در بیانیه‌های مصوبه این اتحادیه معمولاً کشورهای متقاضی عضویت در اتحادیه، کشورهای عضو فضای اقتصادی اروپا، نروژ، ایسلند، لیختن‌اشتاین، آلبانی، کرواسی، مقدونیه و مولداوی نیز به این بیانیه‌ها می‌پیوندند.

نمی‌خواستند پرونده ایران به «شورای امنیت» سازمان ملل فرستاده شود؛ زیرا به باور اروپا خروج پرونده از آرژانس، به منزله بیرون رفتن موضوع از «مدیریت اروپایی» و آغاز عملکرد یک‌جانبه آمریکا برای کامل کردن پرونده خاورمیانه یک‌پارچه بود (بصیری و مصطفی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۹-۱۰۴).

مطالعه رفتار اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که موضع اتحادیه از زمان انتشار گزارش البرادعی دبیر کل «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» در نیمه سال ۲۰۰۳ به تدریج سخت‌تر شده و با چرخش به سمت آرژانس و آمریکا، به یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری اجماع بین‌المللی بر ضد ایران تبدیل شده است، صحنه‌ای که در آن بازیگران از موقعیت و توان بسیار متفاوتی برخوردارند. بدین ترتیب، تبلیغات بین‌المللی و جامعه جهانی نه از موضع ایران، که از موضع طرف مقابل حمایت می‌کرد (خالوزاده، ۱۳۹۰ الف، ص ۳۱۳).

۳- زمینه‌سازی جهت توسل به شورای امنیت

آمریکایی‌ها - به‌طور اخص - و اتحادیه اروپایی از دو دهه پیش، در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران اظهار نگرانی کرده‌اند. اما، در پی اظهار نظر «محمد البرادعی» مدیر کل «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» پس از بازدید نظنر در اوایل سال ۲۰۰۳، وضعیت تغییر کرد. البرادعی پس از این بازدید، ادعا کرد که دنیا از پیشرفت فعالیت‌های ایران شوکه شده است. آمریکا به سرعت از این اظهار نظر بهره‌برداری و تلاش کرد به دنیا ثابت کند مدعیاتش درباره تلاش پنهانی ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای کاملاً درست بوده است (مهرعطا، ۱۳۸۴، ص ۲۶). از ژوئن سال ۲۰۰۳ که آرژانس انرژی اتمی در گزارش خود مدعی شد ایران در اعلان برخی از فعالیت‌های هسته‌ای خود (مانند وارد کردن اورانیوم در سال ۱۹۹۱) کوتاهی کرده، به تدریج برنامه هسته‌ای ایران به مسئله‌ای مشترک در همکاری‌های اتحادیه با آمریکا تبدیل شد. با این گزارش، فشار اتحادیه اروپایی علیه ایران افزایش یافت. تنها دو روز پس از بازگشت البرادعی از ایران، وزرای خارجه سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ وارد تهران شدند و با حسن روحانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» وقت ایران مذاکره کردند، مذاکراتی که مسما به محل گفت‌وگو یعنی «سعدآباد» شد (Déclaration du conseil de l'UE, 2003, 16 Octobre).

اتحادیه اروپا از این زمان خواستار توقف غنی‌سازی اورانیوم و اجرای پروتکل الحاقی به‌صورت دائم بود و از نیمه دوم سال ۲۰۰۳، تحت فشار جمهوری خواهان آمریکا در تمامی اظهارنظرهای رسمی و علنی، در برابر ایران موضع بسیار قاطع و سخت‌گیرانه‌ای اتخاذ کرد. نقطه اوج این موضع شدید، تلاش برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به «شورای امنیت» سازمان ملل متحد بود. اروپا و آمریکا تلاش داشتند سیاست تحریمی سختی را از طریق قطعنامه‌های «شورای امنیت» به ایران تحمیل کنند. تلاش برای تصویب چهار

قطعنامه تحریمی در «شورای امنیت» بیان‌گر رویکرد اتحادیه در این رابطه و نشانه‌ای از همکاری هرچه بیش‌تر اتحادیه اروپا با آمریکا و «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» است. در طول تاریخ «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» چنین همکاری و اجماعی در روابط این مثلث دیده نشده بود. پرونده هسته‌ای ایران، سه رأس مثلث را بهم نزدیک کرد (خالوزاده، ۱۳۹۰، ب، ص ۱۷۷).

۴- دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد

دولت محمود احمدی نژاد از بدو شروع فعالیت خود با جدیت تمام بر حفظ چرخه سوخت و رسیدن ایران به توان هسته‌ای تأکید کرد و تعلیق غنی‌سازی اورانیوم را نپذیرفت و به این ترتیب در موضوع هسته‌ای «دیپلماسی تهاجمی» در پیش گرفت. پس از بازگشایی تأسیسات «یوس.سی.اف.» اصفهان و فک پلمپ از بخش‌های مختلف آن، اتحادیه اروپا خواهان تشکیل اجلاس اضطراری «شورای حکام» آژانس وین شد (غرایاق زندی، ۱۳۸۶، ص ۴). از این تاریخ، اتحادیه اروپا و به‌ویژه سه کشور بزرگ اروپایی، راه‌برد فشار و تحریم را در دستور کار قرار دادند و این اتحادیه علیه ایران سیاست فعالی در «شورای امنیت» و «شورای حکام» آژانس در پیش گرفت. «شورای حکام» آژانس در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ به قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا رأی مثبت داد، قطعنامه‌ای که خواهان ارجاع پرونده فعالیت هسته‌ای ایران به «شورای امنیت» بودند. شورا در این قطعنامه از ایران خواست تا مذاکره با سه کشور اروپایی را از سر گیرد، پروتکل الحاقی را به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند و برنامه غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند (گلشن پژوه، ۱۳۸۴، صص ۵۳-۵۲).^۵

ایران نیز در مقابل، با دستور رئیس‌جمهور و بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی تمام تعلیقات داوطلبانه خود را لغو کرد و در حضور بازرسان «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»، برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم، پلمپ تأسیسات نظنز را شکست. به دنبال این اقدام، اعضای «شورای حکام» جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل دادند و بیانیه شدیداللحنی منتشر کردند که در آن ایران تهدید به تشدید تحریم‌ها شده بود (فلاحی، ۱۳۸۶، ص ۹۴). از این تاریخ به بعد، روند تحریم‌های شدیدتر از طریق قطعنامه‌های «شورای امنیت» و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران آغاز شد که همچنان ادامه دارد. این در حالی است که گزینه درگیری نظامی هیچ‌گاه به‌طور جدی مطرح نبوده است.

^۵ این قطعنامه زمینه‌ساز ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به «شورای امنیت» شد. ولی دولت نهم به تهدیدات سه کشور اروپایی و همچنین مفاد قطعنامه «شورای حکام» واقعی نهاد و به دنبال آن مذاکرات جمهوری اسلامی و سه کشور اروپایی که از سال ۱۳۸۲ به منظور یافتن راه حلی برای خاتمه دادن به موضوع هسته‌ای آغاز شده بود، با شروع فعالیت «یوس.سی.اف.» اصفهان در تابستان ۱۳۸۴ از سوی اروپا، قطع شد.

۵- نزدیکی موضع اتحادیه اروپا به آمریکا

چون آمریکا نقشی کلیدی در رابطه با اتحادیه اروپا دارد و با توجه به تأثیر این موضوع در نوع رابطه با ایران، ناگزیر در این مقاله به تحلیل نقش آمریکا هم پرداخته می‌شود. این در حالی است که تا چند سال پیش اتحادیه با ایران سلسله گفت‌وگوهایی تحت عنوان «انتقادی» در پیش گرفته بود و با آمریکا اختلاف‌های جدی پیرامون قانون فرا سرزمینی «داماتو» داشت. جنگ آمریکا با عراق که موجب مخالفت بسیاری از کشورهای اروپایی شد هم به این وضعیت دامن زد. اما، از ژوئن سال ۲۰۰۳ که «محمد البرداعی» در گزارش خود مدعی شد ایران از اعلان برخی از فعالیت‌های هسته‌ای خود از جمله وارد کردن اورانیوم در سال ۱۹۹۱ کوتاهی کرده است، به تدریج برنامه هسته‌ای ایران به موضوعی آزمایشی برای همکاری اتحادیه با آمریکا تبدیل شد (Gresh, 2007, p.2).

مخالفت بسیاری از کشورهای اروپایی با جنگ آمریکا با عراق، در دو سوی آتلانتیک فضای سردی ایجاد کرده بود. بعد از مدتی کشورهای بزرگ اروپایی به تشویق انگلستان، در صدد عادی‌سازی روابط برآمدند و فعالیت‌های هسته‌ای ایران بهترین شرایط را برای کشورهای غربی ایجاد کرد^۶. گزارش بازرسان «البرداعی» از تأسیسات نطنز به «شورای حکام»، آشتی بین اروپا و آمریکا را تسهیل کرد. آن‌ها دشمن مشترکی یافته بودند که باید با آن برخورد شود (Gresh, 2007, p.2). اروپاییان، به خصوص انگلستان، آلمان و فرانسه درصدد بودند تا نشان دهند که پس از اختلاف نظر و تفرقه در مورد عراق، می‌توانند یکدیگر را پیرامون مسئله ایران باز یابند و راه حلی دیپلماتیک برای این بحران پیدا کنند (Delpech, 2007, p.14). به عبارت دیگر، اتحادیه اروپا که از امتناع پاریس، بروکسل و برلین در مشارکت در جنگ آمریکا علیه عراق متزلزل شده بود، تلاش کرد تا از طریق پرونده هسته‌ای ایران با واشنگتن آشتی و تا جایی که می‌تواند بر آن تأثیر گذارد (Pailhe, 2007, p.24).

نوع برخورد دولت نهم با پرونده هسته‌ای منجر به قطع مذاکرات ایران و اروپا و باعث نزدیکی اروپایی‌ها به ایالات متحده و آژانس وین شد و این مثلث، پرونده هسته‌ای ایران را به «شورای امنیت» بردند تا از طریق اهرم سیاسی و فشار و تحریم‌های مختلف، جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کند (قهرمان پور، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵).

^۶ از طرفی، سران ۳ کشور بزرگ اروپایی مذاکره‌کننده با ایران تغییر کردند. در فرانسه «نیکولا سارکوزی» جانشین «ژاک شیراک»، در انگلستان «گوردون براون» جانشین «تونی بلر» و در آلمان «آنگلا مرکل» جانشین «گرهارد شرودر» شدند. این افراد گرایش بیشتری به آمریکا داشتند و تلاش نمودند با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به «شورای امنیت»، فشار زیادی را به جمهوری اسلامی ایران وارد آورند.

۶- آغاز دیپلماسی تحریم اتحادیه اروپایی

با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران در فوریه ۲۰۰۶ توسط البرادعی به شورای امنیت، موضوع ابعاد سیاسی و حقوقی جدی‌تری گرفت و گروه ۵+۱ (اعضای دائم «شورای امنیت» شامل آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه و چین به همراه آلمان) جایگزین سه کشور اروپایی شدند. در این مرحله جدید، کشورهای اروپایی و آمریکا سیاست دو پایه‌ای تشویق و تنبیه را در قبال جمهوری اسلامی در پیش گرفتند. در این فضای بی‌اعتمادی، «شورای امنیت» پنج قطعنامه (۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹) علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر کرد.^۷ در تنظیم پیش‌نویس و متن نهایی این قطعنامه‌ها انگلستان، فرانسه و آلمان نقش کلیدی داشتند و موفق شدند حمایت آمریکا را نیز جلب کنند. در این قطعنامه‌ها از ایران خواسته شد تا تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و پروژه‌های آب سنگین خود را تعلیق کند و در مورد ماهیت برنامه هسته‌ای خود به اعتمادسازی بپردازد. با بی‌نتیجه ماندن قطعنامه‌ها، در فوریه ۲۰۰۹، فرانسه، آلمان و انگلیس پیشنهاد اعمال تحریم‌های سنگین‌تر علیه جمهوری اسلامی ایران را مطرح کردند (Guy, Bozorgmehr & Barker, 2009).

با تلاش گسترده کشورهای اروپایی و آمریکا، قطعنامه ۱۹۲۹^۸ در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تصویب «شورای امنیت» رسید که مهم‌ترین قطعنامه تحریمی در قبال برنامه هسته‌ای ایران است (غریب آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). در این قطعنامه به تمامی دولت‌ها اجازه داده شده تا محموله‌های هوایی و دریایی مربوط به ایران را در فرودگاه‌ها، بندر و آب‌های تحت حاکمیت خود بازرسی کنند و تأکید شده در صورت ظن نسبت به وجود مواد اتمی، موشکی یا نظامی محموله توقیف شود.^۹

قطعنامه تحریمی فوق، مشتمل بر مقرراتی جهت عدم استفاده ایران از نظام مالی بین‌المللی است. به‌خصوص بانک‌های ایرانی که ممکن است برای تأمین مالی فعالیت‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرند مشمول محدودیت‌هایی شدند. ارزیابی قطعنامه ۱۹۲۹ نشان می‌دهد این قطعنامه ماهیتاً با قطعنامه‌های قبل

^۷ قطعنامه ۱۶۹۶ در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۳۷ مورخ ۲۳ دسامبر سال ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۴۷ مورخ ۲۴ مارس ۲۰۰۷، قطعنامه ۱۸۰۳ مورخ ۳ مارس ۲۰۰۸ و قطعنامه ۱۹۲۹ مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب «شورای امنیت» سازمان ملل متحد رسید.
قطعنامه ۱۹۲۹ در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ با رأی مثبت، ۲ رأی منفی برزیل و ترکیه و غیبت لبنان، علیه برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای ایران در «شورای امنیت» به تصویب رسید.

فروش یا انتقال تانک‌های جنگی، وسایل نقلیه زرهی، سیستم‌های توپخانه‌ای کالیبر بالا، هواپیماهای نظامی، بالگردهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی، موشک یا سیستم‌های موشکی ممنوع شد و از تمامی دولت‌ها خواسته شد اقدامات لازم برای جلوگیری از انتقال فن‌آوری-ها یا مساعدت‌های تکنیکی مربوط به موشک‌های بالستیک که قادر به حمل تسلیحات هسته‌ای هستند را اتخاذ نمایند.

تفاوت چندانی ندارد و در همان مسیر است. البته با این قطعنامه اعمال فشار بیشتر و هدف‌دارتر و در جهت تحریم همه جانبه بخش‌های مختلف اقتصادی، تجاری، بانکی، انرژی، حمل‌ونقل ... ایران صورت می‌گیرد. قطعنامه ۱۹۲۹ هزینه‌های تجارت خارجی ایران را به شدت افزایش داد.

آمریکا - به‌خصوص در دوره جمهوری خواهان - گزینه‌ی توسل به جنگ را در کنار گزینه‌های دیگر مطرح ساخته است. دولت آمریکا در دو دوره زمام‌داری «جرج بوش» شدیداً تحت فشار لابی اسرائیل بود و رویکرد نظامی را مطرح کرد، موضوعی که کاملاً با مخالفت اتحادیه اروپا روبه‌رو شد. اروپا همواره خواهان جلوگیری از جنگ احتمالی بوده و همچنان در کنار تحریم‌ها به مذاکره و گفت‌وگو پیرامون این موضوع اظهار علاقه کرده است. سرانجام، اروپا راه حلی بینابین و متکی بر تحریم‌های همه جانبه را برگزید. «خاویر سولانا» در آخرین روزهای فعالیتش به عنوان «مسئول سیاست خارجی اروپا» گفته بود که اروپا در نهایت می‌تواند رویکرد «گفت‌وگو و فشار» را در کنار هم بپذیرد (European Union Center of (North Carolina, 2008).

به نظر می‌رسد اروپا با رویکرد افزایش فشار و تحریم‌ها، خواهان جلوگیری از جنگ احتمالی در منطقه حساس خاورمیانه از یک طرف و همراهی با آمریکا برای نشان دادن یک سیاست مشترک «ارو-آتلانتیکی» در برخورد با ایران، از طرف دیگر، بوده است. هدف اروپا از اتخاذ این رویکرد، منصرف کردن آمریکا و اسرائیل از شروع جنگ و وادار کردن ایران به توقف فعالیت‌های هسته‌ای بوده است. در این رویکرد، «دیپلماسی تحریم» ایران مورد توجه مشترک «بروکسل» و «واشنگتن» قرار گرفت. رویکرد تحریمی اروپا - آمریکا به صورت مشخص از نیمه سال ۲۰۰۸ به اجرا گذاشته شد. این سیاست امروز هم در دو سطح «شورای امنیت» و «دو جانبه» - به صورت تحریم‌های فوق‌العاده و ورای شورای امنیت از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا - پیگیری می‌شود.

تحریم‌های زیادی طی سه سال اخیر تصویب شده که شامل بسیاری از زمینه‌های اقتصادی، تجاری، بانکی، نفت و گاز و بنزین، حمل‌ونقل و ... در ایران است. در این راه‌برد کشورهای اروپایی و آمریکا هم‌آوا هستند. در چنین فضایی، جمهوری خواهان ترجیح دادند با «دیپلماسی تحریم» اتحادیه اروپا موافقت کنند و سیاست‌های جنگ طلبانه را - که به‌ویژه از سوی رژیم اسرائیل حمایت می‌شد - کنار گذارند. از این تاریخ، سیاست آمریکا به اروپا نزدیک‌تر شد و نتیجه آن جدی شدن تحریم‌های اقتصادی همه جانبه علیه ایران بود.

در جریان سفر دوره‌ای جرج بوش به اروپا و در پایان نشست سران اتحادیه اروپا و آمریکا در «اسلوونی» که ریاست دوره‌ای اتحادیه را بر عهده داشت، بیانیه‌ای مشترک (۱۲ ژوئن ۲۰۰۸) منتشر شد (Déclaration de, 2008, 10 Juin). در این بیانیه، بیشتر بر هم‌سویی و سیاست فشار و تحریم علیه ایران

تأکید شد تا ایران را مجبور به چشم‌پوشی از برنامه غنی‌سازی اورانیوم کند.^{۱۰} دو سوی آتلانتیک خاطر نشان ساختند که تحریم‌ها «به‌طور کامل و مؤثر اجرا می‌شوند و ممکن است با «تصمیمات اضافی» کامل‌تر گردند.^{۱۱} هم‌زمان «راه حلی از طریق مذاکره»^{۱۲} هم ارائه گردید و قرار شد پیشنهاد جدید همکاری توسط «خاویر سولانا» تسلیم مقامات ایرانی شود (Déclaration du sommet UE-États-Unis, 2008, 10 Juin).

سرمقاله‌نویس روزنامه محافظه‌کار «فیگارو»^{۱۳} نوشت با دور شدن از امکان اقدام نظامی از سوی اسرائیل، پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله جدیدی شده است. در این فضا است که اروپایی‌ها و فرانسه قصد دارند تا خط فشار و تحریم را هنگام ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپا برجسته‌تر ساخته و تصمیم‌های تنبیهی جدیدی علیه ایران به کار گیرند (Le Figaro, Paris, 12 Juin 2008).

جرج بوش هنگام سفر به آلمان و فرانسه و در کنفرانس مطبوعاتی با آنگلا مرکل و نیکلا سارکوزی با اشاره به سناریوی استفاده از نیروی نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: «اما اولویت برای من یک راه حل دیپلماتیک است و بهترین گزینه برای ایران، قبول پیشنهاد همکاری است» که می‌بایست به‌زودی در تهران، خاویر سولانا از سوی شش کشور درگیر در پرونده هسته‌ای ایران، آن را تسلیم مقامات آن کشور کند (Stratégie de l'UE contre la prolifération des armes de destruction massive, 2003).

بوش در سفر به پاریس (۱۳ ژوئن ۲۰۰۸)، با سارکوزی در مورد موضوع هسته‌ای ایران گفت‌وگو کرد و این مقطع، اوج هماهنگی دولت‌های سارکوزی و جرج بوش بود. لوموند نوشت جرج بوش در رئیس‌جمهور فرانسه، رهبری جریان را می‌بیند که می‌تواند در سطح اروپا تحریم‌های اقتصادی-مالی بر جمهوری اسلامی تحمیل کند.^{۱۴} در این فضای ملتهب، محمود احمدی‌نژاد اخطار داد که ایران «شرف» خود را با امتیازات پیشنهادی، مبادله نخواهد کرد.

^{۱۰} L'Iran doit pleinement restaurer la confiance de la communauté internationale sur la nature exclusivement pacifique de son programme nucléaire en mettant en œuvre le Protocole additionnel. L'Iran doit communiquer à l'AIEA toute opération liée à la fabrication d'armes et autoriser l'AIEA à vérifier que toute opération de ce type a cessé.

^{۱۱} پیش از این سه رشته تحریم مشترک اروپایی-آمریکایی توسط «شورای امنیت» سازمان ملل علیه ایران به‌تصویب رسیده بود.

^{۱۲} Nous confirmons la double stratégie sur cette question qui a été renforcée par une série de mesures incitatives et voulons croire qu'il existe encore pour l'Iran une solution négociée et réciproquement satisfaisante.

^{۱۳} روزنامه دست راستی و محافظه‌کار «فیگارو» به گروه‌های دست راستی و نئوگلیست و رئیس‌جمهور سابق «نیکولا سارکوزی»

نزدیک است و اغلب مواضع این جناح را منتشر می‌کند.

^{۱۴} فرانسه از اول ژوئیه ۲۰۰۸ ریاست دوره‌ای اتحادیه را عهده‌دار شد و «سارکوزی» در ابتدای مایل بود مانند یک رهبر قدرتمند

اروپایی ژست بگیرد. روابط با ایران و خصوصاً پرونده هسته‌ای فرصت لازم را برای «سارکوزی» فراهم کرد.

۷- سیاست «هویج و چماق»

اتحادیه اروپا در روند رادیکال‌سازی سیاست خود در قبال ایران از سال ۲۰۰۷، استراتژی «تعامل و تهدید» یا به اصطلاح «هویج و چماق» را در پیش گرفت. در این استراتژی دو پایه «گفت‌وگو و تشویق» از یک‌طرف و «تهدید و تحریم» از طرف دیگر قرار داشت. آمریکا از این سیاست به صراحت حمایت کرد. در این رابطه گروه ۵+۱ در تاریخ ۲ ماه می ۲۰۰۸ در لندن تصمیم گرفت تا مشوق‌های جدیدی به ایران پیشنهاد دهد. «دیوید میلیند» وزیر خارجه انگلستان گفت که «مشوق‌های تجدید نظر و به‌روز شده» - مانند همکاری‌های غیرنظامی، انرژی و دیپلماتیک و بالاخص تحویل اورانیوم برای مقاصد غیرنظامی - در مقابل توقف غنی‌سازی اورانیوم به تهران پیشنهاد شده است.^{۱۵} وزارت خارجه ایران در واکنش به بسته جدید پیشنهادی، اظهار داشت که کشورش نافی هرگونه پیشنهادی از سوی ابرقدرت‌ها است که حق ایران را در زمینه هسته‌ای به رسمیت نشناسد (سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۷، ۱۶ اردیبهشت).

در این شرایط، «خاویر سولانا»^{۱۶} به نمایندگی از سوی غرب در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۸ وارد ایران شد تا بسته پیشنهادی مذکور را تسلیم تهران کند. «سولانا» در این سفر حامل سندی سه صفحه‌ای بود که در ماه می ۲۰۰۸ توسط شش کشور تهیه شده بود. این متن شامل پیشنهاد همکاری جدیدی در قبال تعلیق غنی‌سازی اورانیوم و مکمل پیشنهاد ژوئن ۲۰۰۶ بود که قبلاً ایران اظهار نظری در مورد آن نکرده بود.^{۱۷} به دنبال رد این پیشنهاد از سوی ایران، بیست‌وهفت کشور عضو اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کردند (Agence Europe, 2008, 22 Juin).

در این میان «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» (۲۶ می ۲۰۰۸) در گزارش خود، جنبه نظامی برنامه هسته‌ای ایران را محتمل دانست و این ادعا منجر به تشدید رویکرد تحریمی اروپا و آمریکا نسبت به ایران شد.^{۱۸} این گزارش اتهاماتی را مطرح می‌ساخت: ساخت کلاهک موشکی که بتواند ماده انفجاری اتمی در

^{۱۵} این پیشنهاد در واقع بسته تجدید نظر شده پیشنهادی است که گروه ۵+۱ در ژوئن ۲۰۰۶ به ایران عرضه کرد و علاوه بر پیشنهاد همکاری در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای غیرنظامی و همکاری‌های اقتصادی و تجاری، شامل مشاوره‌های منطقه‌ای در مورد مسائل امنیتی در خاورمیانه هم می‌شود و شیوه خاصی برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم را در خود گنجایده است.

^{۱۶} «خاویر سولانا»، دبیرکل وقت شورا و نماینده عالی سیاست خارجی و امنیت مشترک اتحادیه اروپا.

^{۱۷} پیشنهاد ۱۴ ژوئن ۲۰۰۸ اتحادیه اروپا (همکاری‌های اقتصادی، تجاری، هسته‌ای غیرنظامی و بحث در مورد امنیت منطقه) سومین پیشنهادی بود که از اوایل بحران ایجاد شده به‌علت برنامه هسته‌ای ایران، ارائه شد. نخستین پیشنهاد در ماه اوت ۲۰۰۵ توسط اروپا مطرح شد که از سوی تهران «توهین به ملت ایران» توصیف گردید. دومین طرح بسته پیشنهادی در سال ۲۰۰۶ ارائه شد که ایران آن را رد کرد.

^{۱۸} "Nous attendons des explications substantielles de l'Iran pour prouver ses déclarations sur les prétendues études et sur d'autres informations qui peuvent avoir une dimension militaire", souligne le rapport du directeur général de l'AIEA, Mohamed ElBaradei.

خود جای دهد، آزمایش مواد انفجاری با قدرت بسیار بالا و طراحی احتمالی تأسیساتی به منظور آزمایش هسته‌ای (Le Monde, 2008, 12 Juin). پس از انتشار این گزارش، «آنگلا مرکل» گفت که باید «در صورت لزوم با تحریم‌های فزاینده نسبت به این گزارش واکنش نشان داد». «نیکولا سارکوزی» بر اتخاذ سیاست‌ها و مجازات‌های اقتصادی جدی تأکید کرد (Le Monde, 2008, 17 Juin). «گوردون براون» نخست وزیر انگلستان نیز - در جریان دیدار روز ۱۶ ژوئن رئیس جمهور آمریکا از لندن - اعلام کرد که اتحادیه اروپا مجازات‌های جدیدی علیه ایران اعمال خواهد کرد. وی همچنین اظهار داشت «امروز به شیوه‌ای عمل می‌کنیم که دارایی بزرگ‌ترین بانک ایران در خارج از کشور - [بانک] ملی - مسدود گردد» (Agence Europe, 2008, 17 Juin). سیاست تحریمی اتحادیه اروپا و آمریکا از این زمان وارد مرحله سخت‌تری شد.

۸- تحریم‌های اقتصادی

در فضای تنش آلود ایجاد شده، وزرای خارجه اتحادیه اروپا در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۸، با انتشار بیانیه‌ای بر تحریم‌های اعلام شده علیه بانک ملی ایران تأکید و اعلام کردند بسته پیشنهادی اخیرشان همچنان معتبر است (Déclaration du conseil de l'UE, 2008, 24 Juin). عدم استقبال ایران از بسته پیشنهادی «خاویر سولانا» (۱۴ ژوئن ۲۰۰۸)، باعث تحریم بانک ملی از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا شد. در واقع معنای این پیام آن بود که غرب در برخورد با ایران بسیار جدی است و در کنار مذاکره، تحریم و مجازات‌های عملی را نیز در دستورکار قرار داده است. به این تحریم‌ها، نام‌های جدیدی از افراد و سازمان‌های ایرانی اضافه شد که اجازه دریافت روادید نداشته و دارایی‌های آن‌ها در اروپا مسدود می‌شد (Journal officiel, No. 47523, 2008, Juin). تصمیم جدید بیان‌گر نیت تقویت فشارها روی تهران بود و پاسخی به بی‌صبری واشنگتن، که لحن کلام خود را علیه جمهوری اسلامی سخت‌تر کرده بود. «جرج بوش» در سفر به چند کشور اروپایی، یادآور شده بود که «همه گزینه‌ها روی میز است». اما اروپایی‌ها برادامه تلاش‌ها برای دیالوگ با جمهوری اسلامی و اعمال تحریم‌های سخت تأکید کردند. یک دیپلمات غربی گفت «ایرانی‌ها باید بدانند که نسبت به گفت‌وگوها باز هستیم، ولی بدون حرکتی با حسن نیت از سوی آن‌ها، مجبور به تحریم و مجازات خواهیم شد» (Déclaration du Conseil de l'UE, 2008, 24 Juin). روند وقایع نشان داد که اتحادیه اروپایی ضمن هماهنگی تنگاتنگ با آمریکا و از طریق «شورای

امنیت»، رویکرد تحریم همه جانبه را در پیش گرفته است^{۱۹} که همچنان با جدیت ادامه دارد. یک‌روز بعد در ۲۴ ژوئن ۲۰۰۸، ایران تحریم‌های اعلام شده توسط شورای وزیران اتحادیه اروپا را به شدت مورد انتقاد قرار داد و آن را «غیرقانونی، تبعیض آمیز و متناقض» توصیف کرد (سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۷، ۳ مرداد).

سیاست تحریم‌های سخت و هدف‌دار اتحادیه اروپایی - به‌خصوص از سال ۲۰۱۰ - روند پرشتابی گرفت. روی کار آمدن دموکرات‌ها در ایالات متحده، همراهی آمریکا در سیاست تحریمی اتحادیه اروپایی را تسهیل کرد و آمریکا از گزینه جنگ که مورد نظر تندروهای رژیم اسرائیل بود، بیشتر فاصله گرفت. در پی بی‌اعتمادی روز افزون و تصویب چهار قطعنامه^{۲۰} تحریمی از سوی «شورای امنیت» علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰ در زمینه تحریم‌های شدیدتر اروپایی علیه ایران، به توافق رسیدند. آن‌ها در بیانیه‌ای که در پایان نشست بروکسل منتشر شد ضمن حمایت قاطع از قطعنامه ۱۹۲۹ «شورای امنیت»، اعلام کردند که تحریم‌هایی در بخش‌های انرژی، «سرمایه‌گذاری‌های جدید، کمک فنی و نقل و انتقال فن‌آوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه‌ها به‌ویژه حوزه‌های مربوط به پالایش، گدازش و فن‌آوری گاز طبیعی مایع شده» را اعمال می‌کنند^{۲۱}. «کاترین اشتون»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرد این تحریم‌ها اقداماتی مکمل و برای حمایت از تحریم‌های سازمان ملل خواهند بود و اتحادیه اروپا به رویکرد دو طرفه - که گفت‌وگو گرد میز مذاکره را باقی می‌گذارد - ادامه می‌دهد (Third Foreign Affairs Council Meeting, 2010, 14 June).

متعاقباً، در پی جلسه ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۰ وزرای خارجه اتحادیه اروپا، تحریم‌های جدیدی علیه ایران به تصویب رسید. بخش عمده این تحریم‌ها از فردای آن روز اجرا شد. در تصمیم شورای وزیران اتحادیه، با توجه متمایل کردن ایران به از سرگیری مذاکرات در چهارچوب گروه ۵+۱، محدودیت‌هایی بر ضد ایران برقرار شد (Conclusions du Conseil, 2010, 26 Juillet).

^{۱۹} مطالعه مصوبه اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که این مصوبه بسیار فنی و دسته‌بندی شده است و بیان‌گر کار و حساسیت زیادی است که ارگان‌های ذی‌ربط و کشورهای عضو اتحادیه اروپا صرف آن کرده‌اند.

^{۲۰} قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ با تلاش کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا به منظور جلوگیری از دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای بالا از سوی «شورای امنیت» به تصویب رسید.

^{۲۱} شورای «اتحادیه اروپا» در پاراگراف دوم این بیانیه از تلاش‌های برزیل و ترکیه برای تبادل سوخت اتمی جهت راکتور تحقیقاتی تهران - که توسط «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» در اکتبر سال ۲۰۰۹ به ایران پیشنهاد شده بود - استقبال کرد.

به دنبال بی‌اعتنایی ایران به این تحریم‌ها، وزیران خارجهٔ اتحادیهٔ اروپایی در جلسهٔ ۲۳ ژانویهٔ ۲۰۱۲ در بروکسل، تحریم خرید نفت ایران و تحریم بانک‌های «مرکزی» و «تجارت» را تصویب کردند که بلافاصله با حمایت وزرای خارجه و خزانه‌داری آمریکا مواجه شد و شخص «باراک اوباما» نیز دو روز بعد رسماً از آن حمایت کرد. این تحریم‌ها که شامل شدیدترین تحریم‌های ممکن علیه یک کشور است، بیان‌گر موضع بسیار هماهنگ، برنامه‌ریزی‌شده و هدف‌دار دو سوی آتلانتیک در مواجهه با مناقشهٔ هسته‌ای ایران است. این در حالی است که اتحادیه و آمریکا به شدت تلاش کردند تا بسیاری از کشورهای مهم و قدرتمند جهان را تا حد ممکن، با خود همراه کنند. در واقع آمریکا موفق شد پس از گذشت ۷ الی ۸ سال جبهه‌ای بزرگ را همراه خود کند و از این طریق فشار زیادی به جمهوری اسلامی ایران وارد نماید. این هدفی است که آمریکا از سال‌ها پیش به دنبال آن بود و امروز حاضر نیست از نتایج آن دست بردارد. اروپایی‌ها هم از این رویکرد آمریکا پشتیبانی می‌کنند.

تحریم‌های هدف‌مند و همه‌جانبهٔ بانک‌های دولتی ایران و حتی بانک «مرکزی»، خرید نفت و صنعت پتروشیمی ایران در همه ابعاد اعم از خرید، حمل‌ونقل، مسائل مالی و بانکداری مربوط به دریافت ارز ... و پوشش بیمه‌ای آن، بیان‌گر رویکرد سخت و هدف‌داری است که اتحادیهٔ اروپا و آمریکا در پیش گرفته‌اند. تحریم مبادلات بانکی بین‌المللی ایران از طریق سیستم جهانی «سویفت»، تنگناهای زیادی برای تجارت خارجی ایران ایجاد کرد و ضمن اتلاف وقت زیاد، هزینه‌های جانبی بسیاری را بر سیستم اقتصادی مالی ایران تحمیل نمود. اقدامات مشترک و هماهنگ اروپا و آمریکا بیان‌گر هم‌آوایی اتحادیهٔ اروپایی و آمریکا در اعمال فشارهای روزافزون به ایران در طی چند ساله اخیر است و بیش از هر چیز شاهدی است بر «دیپلماسی تحریم» اتحادیهٔ اروپایی در برابر پروندهٔ هسته‌ای ایران.

اتحادیهٔ اروپایی و آمریکا همچنان دیپلماسی تحریم‌های هدف‌دار و هوش‌مند را در برخورد با ایران مدّ نظر قرار دادند. آن‌ها از این طریق تلاش می‌کنند با اعمال فشار شدید بر دولت ایران، موجب توقف برنامهٔ غنی‌سازی شوند. استراتژی اتحادیهٔ اروپا در اعمال دیپلماسی تحریم که از طریق فشارهای سیاسی و اقتصادی و به‌خصوص تحریم‌های گستردهٔ اقتصادی و تجاری در قبال ایران اتخاذ شد، نتایجی به همراه داشته است. البته بسیار دشوار است که بتوان یک استراتژی تحریمی را - که به همراه اعلام امتیازات مثبت اجرا می‌شود- روشی سازنده و امیدبخش برای منصرف ساختن ایران از انجام فعالیت‌های بیشتر در زمینهٔ چرخهٔ سوخت هسته‌ای دانست (Tocha, 2009)؛ زیرا این استراتژی حقوق و منافع حیاتی ایران را نشانه رفته و جنبه‌هایی از روان‌شناسی و ملی‌گرایی و حیثیت جامعهٔ ایران را هدف قرار داده و لذا نمی‌تواند نتایج تمام و کمالی را در پی داشته باشد که مورد نظر اتحادیه است (Sauer, 2007).

تحریم‌های بسیار شدید و ورای «شورای امنیت» از سوی اتحادیه اروپا بیان‌گر این رویکرد اتحادیه است. اتحادیه در واقع می‌خواهد ثابت کند که از طریق فشار و تحریم‌های گسترده اقتصادی تجاری و بانکی و مسدود کردن گلوگاه‌های مالی ایران بالاخره از فعالیت‌های حساس هسته‌ای این کشور ممانعت خواهد کرد، بدون آن که به جنگ و درگیری نظامی نیازی باشد. به نظر می‌رسد دولت «اوباما» نیز موافق این رویکرد اروپا است و از آن پیروی می‌کند.

نتیجه‌گیری

موضوع هسته‌ای ایران یکی از دلایل عمده اروپا برای کاهش سطح مناسبات دوجانبه با ایران طی یک دهه اخیر بوده است. گرچه مقامات اروپایی مدعی هستند که حقوق هسته‌ای ایران را به رسمیت می‌شناسند، اما همانند آمریکا از عدم اعتماد هم سخن می‌گویند. اتحادیه اروپایی همواره خواستار گفت‌وگو با ایران برای حل موضوع هسته‌ای و عادی‌سازی روابط بوده است. این در حالی است که کشورهای اروپایی و عمدتاً فرانسه، انگلستان و آلمان در سال‌های اخیر از بنیان صدور قطعنامه و طرح تحریم بر ضد ایران بوده‌اند، امری که سطوح مختلف رابطه با ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا با دیپلماسی تحریم‌ها و افزایش فشار، خواهان جلوگیری از یک جنگ احتمالی در منطقه حساس خاورمیانه است. اتحادیه همچنین به دنبال هماهنگی و همراهی با آمریکا برای نشان دادن یک سیاست مشترک «ارو-آتلانتیک»ی در برخورد با ایران است. اتحادیه اروپایی و کشورهای عضو آن بر این باورند که افزایش فشارهای اقتصادی-مالی و سیاسی می‌تواند، سرانجام ایران را وادار به عقب‌نشینی از مواضع خود کند تا غنی‌سازی با غلظت بالا و فعالیت‌های حساس هسته‌ای را کنار بگذارد و در این میان به هیچ‌وجه نیازی به آتش‌افروزی و آغاز جنگی جدید در منطقه حساس خاورمیانه و در نزدیکی مرزهای اروپا نمی‌بیند؛ زیرا چنین جنگی می‌تواند خسارات زیادی در زمینه‌های مختلف به کشورهای اروپایی وارد کند و تبعات غیر قابل پیش‌بینی داشته باشد. هدف اصلی اتحادیه اروپا از «دیپلماسی تحریم» منصرف کردن ایران از پیگیری چرخه کامل سوخت هسته‌ای - شامل غنی‌سازی اورانیوم، فرآوری و پردازش، تبدیل و تغییر جداسازی پلوتونیم و ساخت راکتور آب سنگین - و وادارسازی ایران برای امضاء، تأیید و تصویب پروتکل‌های الحاقی «ان.پی.تی.» است، سیاستی که حمایت و همراهی آمریکا را هم برانگیخته است.

این سیاست تحریمی دست کم دارای دو سطح عمده است: یکی در چارچوب «شورای امنیت» سازمان ملل و دیگری به صورت تحریم‌های فوق‌العاده و ورای «شورای امنیت»، در سطح اتحادیه اروپایی و آمریکا. دیپلماسی تحریمی اروپا که مورد حمایت آمریکا و عمدتاً بلوک غرب است، مسیری است که کشورهایی

مثل چین و روسیه نیز آنرا پذیرفته و به قطعنامه‌های تحریمی «شورای امنیت» رأی مثبت داده‌اند. تحریم‌های زیادی طی دو سال اخیر به تصویب رسیده که بسیاری از زمینه‌های اقتصادی، تجاری، بانکی، نفت و گاز و بنزین، حمل‌ونقل و را دربرمی‌گیرد. اتحادیه اروپا خواهان آن است که هزینه‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری غنی‌سازی اورانیوم را برای ایران افزایش دهد تا سرانجام ایران فعالیت‌های هسته‌ایش را متوقف سازد. دیپلماسی تحریم‌های اقتصادی که روزه‌روز سخت‌تر و گسترده‌تر می‌شود، راه‌بردی جایگزین جنگ و درگیری نظامی است.

موضوع برخورد با ایران همچنین برای اتحاد «فراآتلانتیک» جنبه حیثیتی و اعتباری پیدا کرده است. لذا دو سوی «آتلانتیک» تا حصول نتیجه مطلوب، این خط‌مشی را ادامه خواهند داد. اروپا و آمریکا تلاش دارند اختلافات خود را در مورد نوع برخورد با ایران، به حداقل رسانند و مراقبند که ایران از این اختلافات بهره‌برداری نکند.

منابع

بصری، م. ع. و مصطفی، م. (۱۳۸۵). مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲۰ (۲۲۵ و ۲۲۶)، ۱۱۹-۱۰۴.

خالوزاده، س. (۱۳۹۰ الف). *اتحادیه اروپایی (ویراست ۲)*. تهران: انتشارات سمت.

خالوزاده، س. (۱۳۹۰ ب). نقش آفرینی اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران: کتاب اروپا - ۱۰: ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا. تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران (۱۳۸۷، ۱۶ اردیبهشت)، سایت اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه. بازبایی شده از: <http://news.mfa.gov.ir/NewsShow.aspx RecordID=181006>، (دسترسی ۱۳۹۱، ۱۲ مهر).

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران (۳ مرداد ۱۳۸۷)، سایت اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه. بازبایی شده از: <http://www.mfa.gov.ir/NewsShow.aspx?id=5794&menu=25&lang182214>، (دسترسی ۱۳۹۱، ۱۰ شهریور).

غرایاق زندی، د. (۱۳۸۷). *ایران و مسئله هسته‌ای*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

غریب‌آبادی، ک. (۱۳۸۷). *برنامه هسته‌ای ایران*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

فلاحی، س. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۲ (۶).

قهرمان‌پور، ر. (۱۳۸۷). *رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

گلشن پژوه، م. ر. (۱۳۸۴). پرونده هسته‌ای ایران (۲)؛ روندها و نظرها. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مهرعطا، ر. (۱۳۸۴). تحلیلی بر بحران هسته‌ای ایران. ماهنامه خلیج فارس و امنیت، ۶(۵۸).

- Agence Europ. (2008, Juin 22). Bruxelles.
- Agence Europe (2008, Juin 17). Bruxelles.
- Bratton, P. (2005). When is coercion successful? *Naval War College Review*, 58(3), 101.
- Conclusions du conseil (2010, Juillet 26). Sanctions de l'union européenne contre l'Iran. Bruxelles.
- Déclaration de la présidence européenne sur les droits de l'homme en Iran (2009 و Octobre 25). Bruxelles.
- Déclaration du conseil de l'union européenne (2003, Juin 22). Available at: http://www.fileadmin/Fichiers/Iran/commission/affaires_europeennes/Conclusions_CE/Thessalonique_juin2003.pdf, (accessed on 2012, Octobre 10).
- Déclaration du conseil de l'union européenne (2003, Octobre 16). Bruxelles. available at: <http://www.consilium.europa.eu.Bruxelles>, les 17 et 18 Octobre 2003, (accessed on 2012, Octobre 5).
- Déclaration du conseil de l'union européenne (2008, Juin 24). Bruxelles. available at: http://www.eu2008.si/fr/News_and_Documents/Agendas/June/0623_.pdf0610EU_Iran_Declaration.html, (accessed on 2012, Octobre 5).
- Déclaration du conseil de l'union européenne (2008, Juin 29). Bruxelles.
- Déclaration du sommet UE-États-Unis (2008, Juin 10). à Brdo en Slovénie. available at: http://www.eu2008.si/fr/News_and_Documents/Press_Releases/June/0610EU_USA_Declaration.html, (accessed on 2012, Octobre 1).
- Delpech, T. (2007, Mars 25-31). *Magazine Le Monde* 2, Paris.
- EU Presidency (2009, Jun 15). Statement Concerning the Iranian Presidential Elections.
- European Union Center of North Carolina (2008, March). EU briefings.
- George, A. (1997). *Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War*. Washington, D. C. United States Institute of Peace Press. 68.
- Gresh, A. (2007, Juin-Juillet). compte à rebours, *Le Monde Diplomatique*, 93, Paris.
- Gresh, A. (2007, Juin-Juillet). Tempêtes sur l'Iran, *Le Monde Diplomatique*, 93, Paris.
- Guy, D., Bozorgmehr, N., & Barker, A. (2009, February 25). EU Trio targets tougher Iran sanctions, *Financial Times*.
- Iran holder of peaceful nuclear (2008, May 20). Available at: http://www.coleurope.eu/sites/default/files/research-paper/edp_1_2009_tocha.pdf, (accessed on 2012, Octobre 1).
- Journal officiel de l'Union européenne. (2008, Juin 23). Luxembourg, décision de conseil 2008/47523CE de l'Union européenne.

- Le Figaro*, (2008, Juin 12), Paris.
- Le Monde*. (2008, Juin 12). Paris.
- Le Monde*. (2008, Juin 17). Paris.
- Le rapport du directeur général de l'AIEA, Mohamed ElBaradei (2008, 6 Juin).
- Monika Tocha. (2009, January). The EU and Iran's Nuclear Programme: Testing the Limits of Coercive Diplomacy, EU diplomacy Papers, University of heidelberg, Germany. available at: www.coleurope.eu, (accessed on 2012, December 9).
- Overhaus, M. Analysis : European diplomacy and the conflict over Iran 's nuclear program (2007, July 19). Available at: www.deutsche-aussenpolitik.de/resources/dossiers/iran06/dossier-iran-introduction.pdf. (accessed on 2008, May 20).
- Pailhe, C. (2007, Juillet). et l'Europe s'alinea sur les Etats-Unis, Paris.
- Sauer, T. (2007, February 28-March 4). Coercive diplomacy revisited: the Iranian nuclear weapons crisis. Paper presented at 48th Annual Convention of the International Studies Association (ISA), Chicago.
- Schaub, G. (1998). Competence: Resuscitating the concept, in L. Freedman (eds.), *Strategic coercion: Concepts and cases*, Oxford: Oxford University Press.
- Stratégie de l'UE contre la prolifération des armes de destruction massive, (2003, Décembre 12-13), Acte 15708. Available at: <http://www.diplomatie.gouv.fr/en/country-files/iran>, (accessed on 2012, Octobre 15).
- Third Foreign Affairs Council Meeting Luxemburg (2010, June 14).